

مردمان

شرح مردونگی

توی نجف یه خونه بود
که دیوارش کاغذی بود
اسم صاحب اون خونه
مولای مردا، علی بود
نیمه شب بلن می‌شد
یه کیسه داشت که بر می‌داشت
خرما و نون و خوردنی
هرچی که داشت تو اون می‌داشت
راهی کوچه‌ها می‌شد
تا یتیم رو سیر کنه
تا سفره خالی شونو
پر از نون و پنیر کنه
شب تا سحر پرسه می‌زد
پس کوچه‌های کوفه رو
تا پر بارون بکنه
باغای بی‌شکوفه رو
عبادت علی مگه
می‌تونه غیر این باشه؟
باید مئه علی باشه
هرکی که اهل دین باشه
بعد علی کی می‌تونه
محرم راز من باشه
دردلدم رو گوش کنه
تا چاره‌ساز من باشه
چشماتو واکن آقاچون
بالهای خسته مو ببین
مونگاه کن آقاچون
دل شکسته مو ببین



خوش خدمتی
«نشنال ژئوگرافی»
نیم ساعتی می‌شد که نوجوان
ایستاده بود و اطلس‌ها و نقشه‌ها

را با دقت نگاه می‌کرد.
صاحب مغازه با لحنی کنایه‌آمیز گفت: پسر جان،
ما فقط نقشه‌های کره زمین را داریم. اگه دنبال نقشه
مریخ می‌گردی باید بری یه کتابفروشی دیگه.
نوجوان لیخندی زد و جواب داد: ببخشید، ولی منم
دنبال یه اطلس کامل می‌گردم، یکی که نقشه همه
کره زمین رو داشته باشه، اما اینجا پیدا نمی‌کنم.
مغازه‌دار اخم کرد و بلندبلند (جوری که انگار با
خودش حرف می‌زند) گفت: هرچی بارمون می‌کنن
حقمونه... .. هیچی نفهم، مال یه دقیقه‌مونه...

اصلاً ما رو چه به جغرافی؟ ما باید همون
شترمونو بچرونینم ... آخه از «نشنال
ژئوگرافی» معتبرتر؟ اگه همینان نبودن
که الان باید به خلیج خودمون
می‌گفتیم «خلیج فارس» ... یه
الف‌بچه می‌گه نقشه‌ها ناقصه!
پسر با صدایی گرفته گفت: آقا،
تو هیچ‌کدوم از این نقشه‌ها اسم
«فلسطین» نیست. راستی
شما نقشه چاپ ایران ندارید؟
مرد سرچایش
خشکش زده
بود.

• زنده‌یاد محمدرضا آغاسی



در بیان روزه و حکمت آن

و آگاه باش که حق تعالی از سیری و گرسنگی
تو بی‌نیاز است، لیکن غرض در روزه مهری
است از خداوند ملک بر ملک خویش و این
مهر نه بر بعضی از ملک است که بر همه تن
است، بر دست و پای و چشم و زبان و گوش
و شکم و ... این همه به مهر کرد تا چنان‌که
در شرط است منزه داری این اندام‌ها را از فجور
و ناشایست و ناپایست تا داد مهر داده باشی.
و بدان که بزرگ‌ترین کار در روزه آن است که
چون نان روز به شب افکنی، آن نان را که
نصیب^۱ خویش داشتی به روز به نیازمندان دهی
تا فایده رنج تو پدید آید و آن رنج را بوی^۲ بود
که نفع آن به مستحق رسد.

• قابوس‌نامه

پی‌نوشت‌ها:

۱. مهر زدن، مهر نهادن. این همه به مهر کرد، همه
راه مهرزد، همه باید روزه‌دار باشند و خطا نکنند.
۲. تبه‌کاری، فسق، ناپارسایی
۳. بهره و نصیب
۴. سود و فایده